«الاسماء وضعت لنفس المسمیات» و تسمیه هلال

«و الطرق إلی الموضوع و الکواشف له لا تزید علیه شیئاً»؛ اگر ما هلال داریم طریق به‌سوی کشف این هلال، جزء هلال نمی‌شود. همانی که خود وحید به‌بهانی هم با اینکه در آن مسأله مخالف بودند، فرمودند «الاسماء وضعت لنفس المسمیات». نه مسمای به وصف مسمی ای به وصف مرئی. وقتی شما می‌گویید «قمر» به‌معنای قمر است؛ نه قمری که دیده شود. «که دیده شود» در تسمیه نیست. هلال هم همینطور است. هلال یعنی هلال. نه هلالی که آن را ببینید. اینکه آن را ببینیم در تسمیه نیست. **«لاتزیده علیه شیئا»**؛ این «طرق» و «دیدن» و امثال آن‌ها موضوع را از موضوع بودن چاقتر نمی‌کنند. موضوع، خود موضوع است و اینها خود طرق هستند.

شاگرد: ظاهراً مرحوم خوئی دارند که هلال به‌معنای «ما اهل الناس عند رؤیته»؛ یعنی باید طوری باشد که مردم ببینند.

استاد: ببینید «آن چه که مردم فریاد بکشند». مسمی چیست؟ آن چه که مردم فریاد بشکند؟! پارسال مفصل بحث کردیم. یعنی حیثیت تقییدیه داریم. یعنی در هلال حیثیت تقییدیه هست؟! اگر مردم فریاد نکشند اینجا هلال نیست؟! ای نه، فقط حالت تعلیل دارد؟ یعنی آن مسمی است ولو قابل دیدن باشد که مردم فریاد بکشند. بنابراین «اهل الناس حیث یرونه» قید مسمی و قید تسمیه نیست، بلکه خود آن مسمی است. اینها توضیحات تسمیه است. پارسال چندین جلسه صحبت شد.

«فإنّ الموضوع للأحکام الشرعیة لیس إلاّ الهلال، فإذا حصل الیقین بالهلال فلا معنی لبقاء الشهر السابق، أی إنّ الموضوع فی عالم الثبوت لإنشاء الأحکام الشرعیة المرتبطة بالصوم و نحوه لیس إلاّ الهلال»؛ اگر روی هلال تأکید کنیم؛

«لکن لا بدّ فی عالم الإثبات، من إحراز هذا الموضوع بالطرق القاطعة للاستصحاب، و الاستصحاب من الأصول العملیة التی فی معرض الخطأ»؛ یعنی ما استصحاب می‌کنیم چون طریق کارش را برای ما انجام نداده است. ولی واقعاً هلال بود. در معرض خطا است.

«و لذا نری فی الروایات الأمر بقضاء یوم ثبت کونه من شهر رمضان»؛ شما ندیدید اما بعداً که ثابت شد قضا کنید. چرا؟ چون هلال بود. ولو شما طریق به‌سوی آن و احراز آن را نداشتید.

«و أما الأمر بالإفطار و الحضور لصلاة العید غداً»؛ بعد از اینکه ماه را دیدید دیگر چه روزهای است؟! افطار کنید. اما شارع نمی‌خواهد از نماز عید دست بکشید؛ فردا بخوانید. البته به این روایت عمل نشده است. اما مثل حاج آقا در جامع المسائل به این روایت عمل کرده‌اند. ولی در جواهر به این روایت عمل نشده است.

«لأنّ الأمر فی قوله(علیه السلام): «صم للرؤیة و أفطر للرؤیة» أمر بالعمل بالأصل العملیّ، لا بحکم واقعیّ ثبوتیّ، و الحکم الثبوتیّ دائر مدار الهلال، و هذا مما

يري بوضوح في تعابير الرواياتِ، و لعلّ من أحسنه»؛ احسن تعبیر کدام است؟

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 14:52:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 14:54:02 توسط ... .